

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

1119/10

۸۷، ۱، ۱۱۱۸  
۸۸، ۱، ۱۱۱۸



دانشگاه پشاور و بلوچستان  
تحصیلات تکمیلی

پایان نامه کارشناسی ارشد در زبان و ادبیات فارسی  
عنوان:

# نگاه جامعه شناختی به سه اثر از جلال آل احمد (مدیر مدرسه - نفرین زمین - نون والقلم)

استاد راهنما:

دکتر محمد بارانی

استاد مشاور:

دکتر مریم خلیلی جهانتیغ

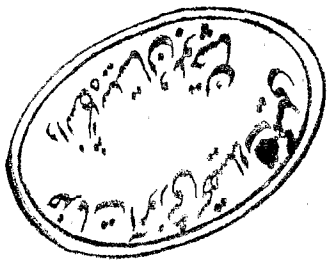
تحقیق و نگارش:

طیبه زرگر

مهر ۱۳۸۷

۱۱۱۸ / ۱ / ۱۵

۱۱۱۹۳۵



## بسمه تعالی

این پایان نامه با عنوان نگاه جامعه شناختی به سه اثر از جلال آل احمد (مدیر مدرسه-نفرین زمین-نون والقلم) قسمتی از برنامه آموزشی دوره کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی توسط دانشجو طیبه زرگر تحت راهنمایی استاد پایان نامه دکتر محمد بارانی تهیه شده است. استفاده از مطالب آن به منظور اهداف آموزشی با ذکر مرجع و اطلاع کتبی به حوزه تحصیلات تکمیلی دانشگاه سیستان و بلوچستان مجاز می باشد.

طیبه زرگر

این پایان نامه ۴۰ واحد درسی شناخته می شود و در تاریخ ۸۷/۷/۷ توسط هیئت داوران بررسی و درجه عالی به آن تعلق گرفت.

نام و نام خانوادگی	امضاء	تاریخ
استاد راهنما دکتر محمد بارانی		
استاد مشاور: دکتر مریم خلیلی جهانتیغ		
داور ۱: دکتر محمد علی زهرا زاده		
داور ۲: دکتر عبدالعلی اویسی		
نماینده تحصیلات تکمیلی: دکتر عباس صرافرازی		۸۷/۷/۷



دانشگاه سیستان و بلوچستان

### تعهدنامه اصالت اثر

اینجانب طیبه زرگر تأیید می‌کنم که مطالب مندرج در این پایان نامه حاصل کار پژوهشی اینجانب است و به دستاوردهای پژوهشی دیگران که در این نوشته از آن استفاده شده است مطابق مقررات ارجاع گردیده است. این پایان نامه پیش از این برای احراز هیچ مدرک هم سطح یا بالاتر ارائه نشده است.

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به دانشگاه سیستان و بلوچستان می‌باشد.

نام و نام خانوادگی دانشجو: طیبه زرگر

امضاء

تقدیم به:

مادر مهربان و همسر عزیزم که عاشقانه و صادقانه در این راه یاری ام کردند.

## سپاسگزاری

حمد و ستایش خداوند منان را سزااست که یکتا و بی بدیل است .  
در آغاز کلام سپاس می گویم اساتید بزرگوار و ارجمندم جناب آقای دکتر محمد بارانی و سرکار خانم دکتر مریم خلیلی جهانتیغ را که راهنمایی های دلسوزانه و مهربانانه شان همانند چراغی فروزان روشنگر راهم بود ؛ و هم چنین قدردانی می کنم از زحمات بی شایبه و مادرانه ی مادر مهربانم و در پایان می ستایم همسرم را که در این راه پرفراز و نشیب ، بی ریا و بی منت باری و حمایت کرد .

## چکیده ی فارسی

در این رساله نگاهی جامعه شناختی به سه اثر از آثار جلال آل احمد نویسنده ی توانای معاصر انداخته شده است. در فصل اول به کلیات مسایل مورد نظر پرداخته شده که خود شامل سه بخش جامعه شناسی هنر، جامعه شناسی ادبیات و زندگی، آثار و اندیشه ی جلال آل احمد می باشد. در فصل دوم گزارشی جامعه شناختی از مدیر مدرسه ارایه شده است.

فصل سوم مشتمل بر ساخت اجتماعی نفرین زمین و بحث از آن در شش موضوع ریخت شناسی، خانواده، خانواده ی روستایی و تکنولوژی نوین، ساخت روان شناختی اجتماعی روستا، اصلاحات ارضی و روستاییان و طبقه گریزی اجتماعی و بینش روشنفکری به طور مفصل است. در فصل چهارم هم نگاهی جامعه شناختی به رمان نون والقلم داریم. پس از آن در فصل پنجم کوشیده ایم به طور گذرا عناصر داستان (پیرنگ - شخصیت - گفت و گو - زمینه و فضا) را در این سه اثر بررسی کنیم.

و در فصل ششم و پایانی به نتیجه گیری از بحث های مورد نظر در این رساله پرداخته شده است. در نهایت هم فهرست منابع و چکیده ی انگلیسی آمده است.

امید که این پژوهش مختصر، علاقه مندان و محققان ارجمند را راضی کند.

لغات کلیدی: نگاه جامعه شناختی - جلال آل احمد - مدیر مدرسه - نفرین زمین - نون والقلم

## فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	پیشگفتار
۴	فصل اول: کلیات
۵	بخش اول: جامعه شناسی هنر
۹	بخش دوم: جامعه شناسی ادبیات
۱۲	بخش سوم: زندگی، آثار و اندیشه ی جلال آل احمد
۲۰	فصل دوم: گزارش جامعه شناختی از مدیر مدرسه
۳۴	فصل سوم: ساخت اجتماعی نفرین زمین
۳۵	الف: ریخت شناسی
۳۷	ب: خانواده
۴۱	ج: خانواده ی روستایی و تکنولوژی نوین
۴۴	د: ساخت روان شناسی اجتماعی روستا
۵۰	ه: اصلاحات ارضی و روستاییان
۶۱	و: طبقه گریزی اجتماعی و بینش روشنفکری
۷۰	فصل چهارم: نگاه جامعه شناختی به نون والقلم
۸۶	فصل پنجم: نگاهی گذرا به عناصر داستان در این سه اثر
۸۷	الف: پیرنگ
۹۶	ب: شخصیت
۱۰۷	ج: گفت و گو
۱۳۱	د: زمینه و فضا
۱۳۷	فصل ششم: نتیجه گیری



صفحه

عنوان

۱۳۸

الف: هنر و مطلق گرایی آسیایی

۱۴۳

ب: زیبایی شناسی رمان

۱۵۵

فهرست منابع

B

چکیده ی انگلیسی

## پیشگفتار

در آغاز شاید بتوان گفت اثر ادبی نمودی اجتماعی است و اگر نه برای کسی که در گوشه ی عزلت بخواهد خویش را زندانی کند و طالب پیوند با سایر مردم نباشد، ساختن ادبیات کاری بیهوده خواهد بود. بر زبان آوردن ادبیات، حتی ادبی اندیشیدن، می تواند از مهم ترین دلایل اجتماعی بودن ادبیات باشد، زیرا ادیبانه و هنرمندانه اندیشیدن، القای دقیق تر احساس خالق اثر هنری و ادبی به مخاطب و دیگری است و بدیهی است که این احساسات و تاثیرات هیچ گاه در خلاء شکل نمی گیرند و گر نه ارتباط با خویشتن، بدون توهمی پیرامونی و اجتماعی اساسا نیازی به استعاره و تمثیل ندارد. در واقع، نقد اجتماعی ادبیات بر آن است تا عوامل پدید آورنده ی نوع خاص ادبیات را بیابد و نیز بررسی تاثیر ادبیاتی خاص را در جامعه مد نظر دارد. و راستی چگونه است که ادبیات و هنر بیش از هر نهاد و عنصر اجتماعی دیگری بر کل جامعه تاثیر می گذارد و تاثیر می پذیرد؟

شاید بتوان گفت این از آن جهت است که ادبیات اصلی ترین نمود اجتماعی است که مهم ترین نقش را در انتقال فرهنگ و دگرگون کردن آن دارد و بیراه نیست اگر نقد اجتماعی تاثیر و تاثر ادبیات و جامعه را تا این حد مهم و حساس می داند. به طور مثال در ادبیات کلاسیک ایرانی، شاهنامه فردوسی نشان دهنده ی شکل گرفتن ادبیات متعهد در برابر ادبیاتی درباری و فرمایشی است. ادبیاتی که افراد فاسد، ظالم و خودشیفته ای چون سلطان محمود غزنوی و امثال او را خوش می آید و کسانی هم چون منوچهری، فرخی، عسجدی و ... در مداحی های ظالمانه و چاپلوسانه ی خود دست اندر کار تولید انبوه آن معانی سخیف و صله اندوز می باشند.

در ادامه می توان اشاره کرد از نظر تقسیم بندی اجتماعی، جامعه را می توان به جامعه ی رسمی و واقعی تقسیم کرد. جامعه ی رسمی پوسته ی بیرونی است که به ظاهر در آن هیچ ایرادی به چشم نمی خورد و همه چیز در جای خود قرار دارد. اما جامعه ی واقعی چهره ی راستین هر اجتماعی است که در زیر رنگ و لعاب، پنهان است و با چشم غیر مسلح دیده نمی شود؛ که غالباً متفکرها، هنرمندان و نویسندگان و متعهد و بصیر از آن پرده بر می گیرند و پرواضح است که حساسیت و اهمیت این امر در شرایط نوین اجتماعی و پیچیدگی ها و دشواری های زندگی مدرن و ایجاد وضعیتی جدید در عرصه زندگی اجتماعی،

فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و ... صد چندان می شود. و شاید از این زوایه و منظر خاص، مساله ی تاثیر متقابل نویسنده و جامعه یا به نوعی التزام و تعهد در ادبیات تبدیل به جریانی اساسی و تاثیر گذار می گردد و با این اوصاف تحلیل و نقد اجتماعی درباره نویسندگان و به طور کلی ادبیات معاصر شکلی مهم و موثر می یابد. به خصوص در ادبیات معاصر ایران می توان دسته ای از نویسندگان و شاعران را نام برد که آثارشان جز از طریق همین تاثیرات متقابل اجتماعی و سیاسی و پیرامونی، اصولاً قابل تحلیل و تبیین نیست. از آن جمله هستند جلال آل احمد، احمد شاملو، غلامحسین ساعدی، محمود دولت آبادی و ...

در این میانه و در عرصه ی ادبیات داستانی معاصر ایران، جلال آل احمد نمونه ای مثال زدنی است. او در عرصه ی ادبیات اجتماعی مرد نظر و عمل هردو است. او مرد میدان است و سکوت و سکون را چون کفرابلیس می پندارد. آل احمد آزادی را برگزید و برای احیای آن قلم و قدم زد و چون خود را در مقابل اجتماع مسوول می دانست، همواره در میان گود بود و در حال مبارزه؛ و رسالت نویسنده را هم چون شمشیر داموکلس پیوسته بر سر خویش آویخته می یافت. او در کتاب «نون والقلم» می گوید:

« آدم هر لحظه، سربیک دوراهی است، دوراهی حق و باطل » ( آل احمد، ۱۳۵۷، ص ۱۳۸ )

جلال آل احمد هر لحظه خود را بر سر این دوراهی می یافت و پیوسته با وجدان بیدار یک نویسنده ی آزادی خواه، جانب حق را می گرفت و حقیقت را به مال و منال و جاه و مقام و هوی و هوس نمی فروخت. اگر کسی بخواهد در میان نویسندگان ادبیات معاصر ایران نویسنده ای را انتخاب کند که آثارش بیش تر از سایرین حاکی از حال و روز زندگی مردم این مرز و بوم باشد، بی شک باید به سراغ آل احمد و آثارش برود. در داستان های او تقریباً تصویر اکثر آدم های محیط زندگی او آمده است؛ تارزنی که در آرزوی هنرمند شدن و از مطربی در آمدن می سوزد، زنی که از سر استیصال فرزندش را سر راه می گذارد، زن یک دست فروش دوره گرد که می خواهد شبیه زن های شمال شهر آرایش و رفتار کند، تصویر کارگرهای بندر، روضه خوانی در خانه ها، ماجرای یک حسابدار بیچاره و تصویر بچه های فقیری که در ایستگاه های میان راه انجیر می فروشند ( از مجموعه داستان سه تار ). بر فرض اگر شما می خواهید یکی از بهترین تصاویر زندگی طبقه ی متوسط ایرانی در دهه ی چهل را ببینید، باید داستان کوتاه آفتاب لب بام از همین مجموعه داستان را بخوانید و ...

در آثار جلال آل احمد، تنوع تیپ ها و گوناگونی محسنه ها، وسعت مشرب و تجربه ی عمیق نویسنده را در زندگی اجتماعی و شناختن آدم ها و محیط می سازند و در هریک از آثار داستانی او، شما با گوشه ای

از طرز فکر ، رفتار ، روحیات و اخلاقیات جامعه ی ایرانی و نیز وضعیت و شرایط اجتماعی ، سیاسی ، فرهنگی ، اقتصادی و ... آن آشنا می شوید .

البته گفتنی است در شکل گیری اوضاع اجتماعی و سیاسی این دوره و چگونگی و ترسیم آن توسط نویسندگان و شاعرانی چون آل احمد، شاملو، ساعدی و دیگران نباید از واقعه ی کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و شکست نهضت ملی و تاثیرات سترگ و تلخ آن حادثه ی عظیم غافل شویم که ردپای آن در زمینه های اجتماعی - ادبی آن سال ها به شدت پر رنگ است و ادبیات موسوم به ادبیات شکست را پدید آورد .

در این تحقیق ( رساله ) سعی شده است تا به بازتاب وقایع و حوادث اجتماعی در سه اثر برجسته ی داستانی از جلال آل احمد - مدیر مدرسه ، نفرین زمین ، نون و القلم - پرداخته شده و نگاهی هرچند کوتاه و گذرا به عناصر روستا ساختی این آثار نیز صورت پذیرد . امید که این تحقیق ( هر چند مختصر ) چراغی فراراه پژوهندگان و محققانی باشد که قصد دارند در این زمینه گام های بزرگ و موثری بردارند .

فصل اول

کلیات

## بخش اول : جامعه شناسی هنر

جامعه شناسی یا تئوری علمی جامعه، شناخت حرکات اجتماعی و بررسی قوانین حاکم بر این حرکات است. به سخن دیگر، سعی جامعه شناس بر این است که تصویری منظم و کامل از تحول و تکامل جامعه به دست دهد و با شناختن و شناساندن جامعه و ویژگی های حیات اجتماعی و افزودن بر نگرش و دید علمی انسان ها درباره ی جامعه و سیر تکاملی آن، بر شتاب حرکات اجتماعی بیفزاید. از سوی دیگر جامعه شناسی هنر در دهه ی اخیر به عنوان یکی از حوزه های تخصصی جامعه شناسی مطرح شده است، حوزه ای که به مطالعه ی زمینه ی ویژه ای از زندگی اجتماعی انسان ها که همانا هنر و آفرینش هنری است می پردازد.

در تعریف دقیق تر جامعه شناسی هنر که به شناخت محتوای اثر هنری و جوهر اجتماعی آن می پردازد، می توان گفت جامعه شناسی هنر، روابطی که هنر را با جامعه و مظاهر گوناگون زندگی اجتماعی پیوند می دهد، با روش علمی مطالعه می کند و کنش و واکنش هنرمند و جامعه، جهان بینی و موضع فکری هنرمند، اثر و خلاقیت هنری او را در پیوند با مظاهر گوناگون حیات اجتماعی مورد مطالعه قرار می دهد.

جامعه شناسی هنر، مطالعه ی جامعه ی هنری است. وجوه اجتماعی هنری هم در این عرصه بررسی می شود. جامعه شناسی هنر، اسرار پنهان و آشکار طبقه ی اجتماعی هنرمند را از طریق آثار هنری عیان کرده و ارتباط محصولات هنری را با پدیده های اجتماعی نشان می دهد. اندازه گیری میزان تاثیرگذاری اجتماعی و تحلیل پدیده های هنری از دیگر کارکردهای این عرصه محسوب می شود. هنرمند در برخورد با پدیده ها و واقعیت های اجتماعی چهار موضع روشن دارد: آن را تایید و تبلیغ می کند، آن را مخفی و پنهان می کند، آن را تایید ولی بر ضد آن کار می کند، آن را تایید می کند ولی بی طرف است (فقط موضع تفسیری دارد).

هدف جامعه شناسی هنر، شناخت هنرمند، بررسی آثار هنری، قوانین ارتباطی بین هنرمند و سایر نهادهای رسمی و غیر رسمی و بررسی کارکردهای اجتماعی هنر است.

در جامعه شناسی هنر پدیده های هنری با نگرشی اجتماعی اندازه گیری می شوند. از این قرار، در بسیاری جهات زمینه ی تحقیق گشوده می شود؛ از جمله:

الف) شناخت هنرمندان، زمینه‌ی حیات آن‌ها و علل گرایش‌شان به قلمرو هنری

ب) سازمان‌ها، نهادها و تاسیسات هنری

ج) مشتریان هنر، زمینه‌ها، انگیزه‌ها و علاقه‌های آن‌ها

د) ارزش‌های اجتماعی در رابطه با هنر

بدین‌سان هنر نه تنها ساخته‌ی افکار و اندیشه‌های مردم، بیان‌مسایل، نیازها و خواسته‌های آن‌ها شناخته می‌شود، بلکه خود راهگشای آینده‌ی دیگر به مردم خواهد بود.

جامعه‌شناسی نیز از یک سو با رشته‌هایی مرتبط است که بنا به سنت با هنر سروکار دارد - تاریخ، هنر، نقد هنر، زیبایی‌شناسی و روان‌شناسی - و از سوی دیگر با رشته‌هایی مرتبط است که شخصا با جامعه‌شناسی پیوند دارند - تاریخ، انسان‌شناسی اقتصاد و حقوق -.

بنیان‌گذاران جامعه‌شناسی که به عنوان پدران این علم محسوب می‌شوند، مساله‌ی هنر را بیش‌تر در حاشیه‌ی کار خود در نظر می‌گرفتند؛ امیل دورکیم (E. Durckheim)، مادامی‌که به هنر کار داشت که آن را در پیوند با دین بتواند مطالعه کند. ماکس وبر (M. Weber)، تنها در یک مقاله به طور مشخص به سبک‌های گوناگون موسیقی پرداخته و آن‌ها را به روند تاریخی گسترش عقلانیت در غرب مربوط کرده است. از این میان گئورگ زیمل (G. Zimmel) بیش‌تر از همه به پیشبرد تحقیق جامعه‌شناسی در باب هنر یاری رساند. زیمل کوشید مناسبت‌های موقعیت اجتماعی هنر را با مسیحیت و تاثیر و نفوذ جهان بینی‌ها در آثار هنری عیان سازد. او بین میل تقارن و صور حکومت استبدادی با جوامع سوسیالیستی و میل به عدم تقارن و صور لیبرالی یا فردگرایی حکومت یا جامعه تناسب می‌دید.

اسپنسر (H. Spenser) منشا هنر را بازی می‌دانست. او معتقد بود که حیوان‌های پست‌تر همه‌ی

نیروی حیاتی خود را صرف نگهداری و ادامه‌ی زندگی می‌کنند، اما در انسان پس از برآوردن نیازهای وی یک نیروی اضافی به جای می‌ماند. این نیروی اضافی صرف بازی می‌شود و از بازی به هنر می‌رسد. بازی‌نظائر به عمل واقعی است، هنر نیز چنین است.

لئون تولستوی (L. Tolstoy)، هنر را یکی از وسایل ارتباط انسان‌ها با یکدیگر و آن‌را از موجبات ترقی و پیشرفت بشر به سوی کمال می‌داند.

پرودن (Peroden)، به نقد هنر بازاری در حکومت‌های سرمایه‌داری پرداخته و اعتقاد داشت هنر نیز مانند هر چیز دیگری به صورت کالا درآمده است و کسانی که آن را تولید می‌کنند، به علت وابستگی به

طبقه ی حاکم و نیاز طبقه ی حاکم به بهره گیری از هنرمندان در قالب «عوامل خواب آور» خود خریدنی و خود فروختنی شده اند .

پرودن اعتقاد داشت که همه ی هنرها بر یک اصل واحد استوارند ، هدف واحدی را دنبال می کنند و بر همه قواعد یکسانی حکم فرماست . از دیدگاه او اصل مشترک همه ی هنرها در قوه ی معینی از ذهن انسان جای دارد . او ذهن را اندام واره ای پیچیده می انگارد و بر آن است که قوای گوناگون گرد محوری می گردد که مرکب از چند عنصر است : وجدان اخلاقی و علم و عدالت و حقیقت . چنان که پیداست هر دو صورت بندی ، همتای عقل نظری و عقل عملی کانت است . پرودن کوشید نشان دهد که نقش هنرمند در جامعه صرفا کمکی است و مقصود هنرمند آن است که حساسیت های اخلاقی ، احساس های وقار آمیز و تهذیب جوی ما را برانگیزد .

مهم ترین گفتار مارکس (K.Marx) را در باب هنر باید در صفحه های واپسین مقدمه ای در نقد اقتصاد سیاسی ۱۸۷۵ یافت . مارکس از مفهوم ماتریالیسم دیالکتیکی و تاریخی آغاز می کند. بر طبق این مفهوم واقعیت های اقتصادی بنیاد غایی ( اما نه یگانه بنیاد ) همه ایدئولوژی ها و از این رو هنر نیز هست . او معتقد بود که هنر به طور مستقیم از بنیاد های تولید اقتصادی سرچشمه می گیرد .

ناتالی هینیک (N.Hinick) معتقد است نخستین جامعه شناسان هنر نه از جامعه شناسی و نه از تاریخ فرهنگی برخاسته اند ، جامعه شناسی هنر در جمع کارشناسان زیبایی شناسی و تاریخ هنر پدید آمد . بر این اساس هینیک از پیدایش سه نسل در تاریخ این دانش میان رشته ای جوان بحث می کند؛ نسل اول را زیبایی شناسی جامعه شناختی می نامد که دغدغه اش بستگی میان هنر و جامعه است و به طور عمده در سنت مارکسیستی بالیده است . این نسل مطابق با سنت ژرمنی و پیش تر با حال و هوای نظری کار می کرد

نسل دوم پیش تر در انگلستان و ایتالیا و از درون سنتی تجربی تر برآمد و بیش از آن که به ارتباط هنر و جامعه بیندیشد ، دغدغه اش تعیین جایگاه هنر در جامعه بود . این جریان دوم را می توان «تاریخ اجتماعی هنر» نامید . این ها کم تر از نسل اول درصدد طرح نظریه ی هنری یا اجتماعی بودند و بیش تر به تحصیل نتایج انضمامی و پر دوام و افزون برغنائی «شناخت تاریخی» فکر می کردند .

نسل سوم جامعه شناسی هنر را می توان ذیل عنوان جامعه شناسی پیمایشی رده بندی کرد . این نسل در دهه ۱۹۶۰ و از بطن سنتی یکسره متفاوت برآمدند که بیش تر در فرانسه و آمریکا مجال و میدان



فعالیت یافتند و از روش های مدرن آماری و انسان شناختی بهره می جستند . صورت مساله و دغدغه نسل سوم نه «هنر و جامعه» و نه «هنر در جامعه» بلکه «هنر به مثابه جامعه» بود . به اعتقاد ایشان مجموع کنش های متقابل کنش گران ، نهاد ها و اشیا به گونه ای با هم تحول می یابند تا آن چه که عموماً هنر می نامند تحقق یابد .

## بخش دوم : جامعه شناسی ادبیات

جامعه شناسی ادبیات که در کشور ما شاید هنوز آن چنان که باید و شاید شناخته شده نیست ، در سده ی نوزدهم با آثار مادام دواستال و ایپولیت تن در فرانسه آغاز شده و در سده ی بیستم رواج بیش تری یافته است . مطالعات این رشته اغلب با روش های گوناگون در مورد تجزیه و تحلیل فرهنگ همراه است که ادبیات را فرایند ناگزیر و غیر مستقیم اوضاع و احوال اجتماعی و اقتصادی می داند .

جامعه شناسی ادبیات ، بررسی متون ادبی ، از دیدگاه جامعه شناختی است . ادبیات به معنی دانش های متعلق به ادب است و در معنای عام کلمه ، غالباً به هر نوع نوشته ای گفته می شود ، مثل بخش نامه ها ، رساله ها ، اعلان ها ، اعلامیه ها و آثار تاریخی و علمی و فلسفی و ادبی . به عبارتی ، ادبیات شامل هر نوع از انواع انشا به نظم یا نثر است که توسط نویسنده ای خاص در شرایط زمانی و اجتماعی خاص به رشته ی تحریر درآمده است . اما در این جامعه شناسی منظور از ادبیات ، آثار هنری زیبایی است که هنرمند به صورت غیر مستقیم عواطف و اندیشه های خود را در دنیایی به نمایش می گذارد .

از سوی دیگر ، جامعه شناسی یا علم مطالعه ی جامعه ، هم مشاهده و هم توصیف پدیده های اجتماعی و هم تنظیم و کاربردهای یک طرح مفهومی همساز ، درباره ی این پدیده ها را شامل می شود . اما باید دانست که جامعه شناسی ، به خلاف علوم دیگر از جمله اقتصاد ، نظریه های منظمی ندارد که با اصطلاحات ریاضی بیان شده باشد ، بلکه در عوض تعدادی از مدل های گوناگون دارد ، مانند مدل نظریه ساختی کارکردی وابسته به تالکوت پارسونز و رابرت مرتون ، مدل های نظریه تکاملی - تکنولوژی ، مدل های بوم شناختی به عنوان تئوری های متاخر و تعداد روبه افزایش مدل های ریاضی که سعی دارد رابطه ها یا متغیرهایی را قالب بندی کند که در مدل های دیگر بیان شده اند ، در این میان چند فرد شاخص وجود دارند که از نظرات آن ها به عنوان نظرات کلاسیک نمی توان چشم پوشی کرد از جمله :

۱ . برای کارل مارکس (K.Marx) ، هر ساخت اجتماعی ، ساخت طبقاتی به شمار می آمد و تاریخ

همه ی جوامع ، تاریخ مبارزات طبقاتی بود . مارکس در روش شناسی بنیادی اش استدلال می

کند که هستی اجتماعی انسان ، تعیین کننده ی هوشیاری اوست و ایدئولوژی صرفاً یک روساخت

بوده و مناسبات اقتصادی زیر بناست .

۲. از دیدگاه هربرت اسپنسر (H.Spenser) که جامعه را به صورت سازواره ای می دید ، هدفش ساختن یک شکل شناسی اجتماعی جوامع به اعتبار ساخت و کارکردشان بود . از دید او وظیفه ی جامعه شناسی به دست دادن گزارشی بود از این که چگونه آحاد نسل های متوالی تولید و پرورده شده و برای همکاری آماده می شوند .

۳. برای مارکس وبر (M.Weber) ، فرد شاخص دیگر جامعه شناسی ، کانون توجه بر انواع کنش است که از آن ها ، کنش اقتصادی و حقوقی ، کنش عقلی و کنش غیر عقلی بود . وبر ، بر تعیین انواع مختلف مرجعیت ( سنتی ، کاریزماتیک و عقلی ) انواع مختلف قدرت ( ساخت یا نیرو یا سلطه ی هماهنگ ) ، تکامل دیوان سالاری ( پدر سالارانه ، پدر نسبی و قانونی- عقلی ) و انواع سلوک عقلی علاقمند بود . او بسیار علاقه مند بود که فرایند پیچیده ی عقلانی شدن امور در جوامع مدرن را بگشاید .

کنجکاوی و تجزیه و تحلیل درباره ی این که اجزای جامعه ی مورد اشاره ی نویسنده ی متن ادبی

چگونه به هم

چسبیده است و کنجکاوی درباره ی حقایق علمی زندگی اجتماعی که در متن ادبی به تحریر کشیده شده است و تعامل و کنش اجتماعی شخصیت های متن در حوزه ی جامعه شناسی ادبیات قرار می گیرد که به وسیله ی نظریه ها و الگوهای جامعه شناسی انجام می شود .

در نوعی از جامعه ، روابط به صورت ابتدایی ، مشابهت نیرومندی در نگرش ها و در جهت گیری آن به

گذشته وجود دارد . در این جوامع از « فرهنگ بی چرا » در عرصه ی خانواده و روابط اجتماعی ، از

فرهنگ شبان - رمگی « در حوزه ی سیاست و « فرهنگ تنبیه » به جای ترمیم در حوزه ی تربیتی و

«فرهنگ گریز از ذهنیت انتقادی» در حوزه ی تعقل می توان نام برد .

به این ترتیب کارکرد جامعه شناسی ادبیات در این دو جامعه کاملا متفاوت خواهد بود و نظریه های

جامعه شناختی نتایج بسیار متمایزی را به دست خواهد داد . مثلا در جامعه ی آلمانی با « فرهنگ کتبی»

میانگین مطالعه ی سرانه شش ساعت در روز است و در جامعه ی ایرانی با « فرهنگ شنیداری - دیداری»

بنا به آمار غیر رسمی هر ایرانی در روز شش ساعت به رادیو گوش داده و تلویزیون تماشا می کند و میانگین

سرانه ی مطالعه به چند دقیقه محدود می شود. در نتیجه کارکرد نظریه های جامعه شناختی اصطلاحات

رایج در قلمرو آن در حوزه ی جامعه شناسی ادبیات ، احتیاج به تعمق و بررسی گسترده داشته و در غیر

این صورت به جای نتیجه ی مطلوب و رسیدن به شناخت ، معکوس عمل کرده و موجب سرگردانی و گم کردن هدف خواهد شد.